رسول خدا را علیه صلوات الرحمن دیدم که دست بر داشته عثمان را دعا میکرد و میگفت خدایا من از عثمان راضی شدم تو نیز از
او راضی باش و جبرئیل عم این آیه آورد و شتم برآن بشارت که آنکسان که در راه جهاد نفقه میکنند یکی را هفتصد جزا خواهند یافت
ضحاک میگوید درمی را درویشی هفتصد درم می یابند و در آخرت مضاعف خواهد بود چنانچه فرمود وَاللّٰهُ يُضَاعِفُ و خدای
زیاده گرداند این مضاعفه را از هفتصد بهفت هزار و بیشتر لِمَنْ يَشَاءُ برای هر که خواهد از منافقان نه برای همه ایشان
چه اعمال بسبب نیات مختلف است و اختلاف عمل سبب اختلاف جزا باشد هر چه صفای نیت و خلوص طویت در آن
کاملتر جزای آن نیکوتر و ارزش شاملتر ولهذا اعلی را دو جزا دهد و دیگری را هفتصد رساند و مزد یکی دیگرا اضعافا مضاعفة مقرر کرد
محقق فرمود که هر عمل از موافقت شیطان و متابعت نفس دورتر بود مکافات آن از حق تعالی موفورتر باشد
بیت دانه با بازی شیطان مکار تا یکی هفتصد آید بیار وَاللّٰهُ وَاسِعٌ خدای بسیار عطا و فراخ بخشش است
لاجرم برای هر که خواهد مضاعف گرداند عَلِيمٌ داناست بمنفق و نیت او تا میداند استحقاق هر کس برای مضاعفه
در لفظ علیم تهدیدی مندرجست یعنی حق داناست نیت نیکو باید تا در عوض آن جزای جزیل فرماید ای درویش توانگران دام
و دینار نفقه کنند عاشقان و مشتاقان از سر دل و جان برخیزند جزای هر منفعتی فراخور حال دست اگر مال در راه خدا
نفقه کند جزای وی جنات نعیمست و اگر جان در راه محبت در بازد مکافاتش لقای کریم اگر مال صرف کند ثواب بیند
و هر که بروح باز ماند بقرب رب الارباب رسد اگر نان دهد در عوض آن خوانش نهند اگر جان دهد در مجازات آن
وصال جانانش دهند بیت تا جان ندهی بوصل جانان نرسی تا در دنیا شدت بدرمان نرسی از ظلمت تا نیایی برون
حقا که بسر چشمه حیوان نرسی و چون در آیه گذشته بر صدقه دادن تحریص نمود در آیت آینده رعایت مراسم ادب
آن بیان فرمود الَّذِينَ يُنْفِقُونَ آنکسانی که نفقه کنند أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ مالها خود را در راه خدای
مراد جهاد است با سایر خیرات ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ پس از پی در نیاورند مَا أَنْفَقُوا آن چیز را که نفقه کرده اند مَنًّا
منتی یعنی منت بر کس ننهند در صدقه دادن که منت نهادن سزاوار مخلوق نیست بلکه منت از آنِ است که مولی منعم است
المنة لله تعالی و تقدس دهند و صدقه با بد منت دار و نه منت نهد و آن منت هم از خدای بیند و داشت که او را اسباب
اعطا مهیا کرده و موانع بخل و امساک از وی زایل ساخته و هم از درویش ممنون باید بود که سبب ظهور چنین عملی شده و اگر
درویش نباشد توانگران مظهر صفت جود و کرم نشوانند شد بیت ای توانگر بحقارت منگر سوی گدا که گدایی تو اینه
زر داری هست و در بحر الحقایق آورده که لولا الفقراء لهلك الاغنياء یعنی درویشان وسیله توانگرانند در توسل
بحق سبحانه بتصدق و انفاق و اگر آینه فقر نباشد جمال جود و منال ایشان در ورای نقاب احتجاب مخفی خواهد ماند و از
کرامت ابد و سعادت سرمد بهره کرم نخواهند یافت ولهذا بعضی گفته اند که آن ید علیا که در حدیث وارد شده که
اليد العليا خير من اليد السفلى دست فقیر است چه دست فقیر از دنیا میستاند و آن سفلی است و بدو آخرت میدهد

الا علیات

آن عبادت بیت سود سودای گدایان نگر ای خواجه که تو مال فانی دهی و ملک ابد بستانی ای عزیز موافقان بی غذا
بی اگر اخذ صدقه را الحجت اگر بشکل خود محتاج شده و نی البغایت شکسته است بار منت که بر گردن جانش نهند شکسته دل تر شود
بیت من از اول شکسته دل بودم منت آمد تمام تر بشکست او نیز اظهار منت مشعر دکر از باب حاجات
چونی بروقی که منت نهادن در وقت صدقه دادن مشهور شد ره دل درویشان از معروف گرد و بدین جهت از دولت
سخاوت محروم ماند بزرگان گفته اند من در لغت قطع و نقص است یعنی بریدن و کوتاه کردن قال تعالی وان لك لاجرا
غیر ممنون ای غیر مقطوع پس منت قاطع خیر باشد و نقصان رساند و با آن دهر کز منت و همت جمع نشود بلکه بخل و منت در میزان
اهل بصیرت برابر ند بیان من منّ و من ضنّ هر که بعطا منت نهد لئیم است نه کریم مصرع لیس الکریم اذا اسدی بمنان اذ نال
دب می آید که حذر و لاتمنن لان الفائدة الیك عائدة بخشش مده و بخشیدن منت منه که نفع آن هم بتو عاید است و فایده
آن هم ترا براه صواب قاید بیت درخت کرم هر کجا بیخ کرد گذشت از فلک شاخ و بالای او گر امید داری کز بر خوری
بمنت منه اره بر پای او وَلَا أَذًى و از پی در نیاورند صدقه خود را آزاری یعنی فقیر را نرنجانند نه زبان که او را بفقر سرزنش
نموده با دبار و شقاوت منسوب سازند و نه بفعل که روی ترش کرده چین در جبین افکنند عزیزی که از خوان کسی که نان او بی
سرکه ابرو نباشد لقمه بر نباید داشت بیت برو با شوربای خود بساز از خوان این دنیا که یابی تلخ کامیها ز حلوای ترشرویان
گفته اند اذی آنست که احسان خود را که با فقیر کرده باشی چه شاید درویش بدان صورت که پرده از روی کار او بر دارد و می
نباشد کی از اکابر بریدی کار راهیت میکرد که چون کسی را چیزی داده باشی و دانی که اگر سلام میکنی بر وی گران می آید سلام خود از او باز
دار و آشنایی با او فرو گذار که ثواب او از سلام زیادتست زیرا که غرض از سلام حصول سلامتست و سلامت او در پوشیدگی
حال دست آورده اند که شخصی نزد بزرگی آمد و گفت جبه پر از تیر دارم و مردی میخواهم که خاص از برای جهاد ورود تا بدو وهم گرفتن
تا بدان کرمی منیم همه میوه خوردن میروند نه بغزا کردن آن بزرگ بر آشفت و گفت لا بارك الله في جبتك هنوز چیزی بایشان ندادی
و این همه رنجانیدن چیست مصرع مرا بخیر تو امید نیست بد مرسان ای عزیز فایده صدقه استمالت قلوب
و تألیف آن با اهل احسان و رفع احقاد و اظهار رحمت با عباد پس فقیر که بصدقه منتفع گردد بدل دوستدار متصدق شود
و چون منفق منتی بر وی نهد یا آزاری بدو رساند هر آینه درویش متنفر گشته آن محبت بعداوة مبدل خواهد شد و کینه در سینه
رسیده بنا الفت در هم خواهد شکست و در این حال که نفع و ضرر از منفق بسایل رسیده کار از دو نوع بیرون نیست
یا هر دو برابرند یا نفع زیادتست یا ضرر و بر تقدیر اول عملی بیهوده کرده چنانچه کسی مثلا درمی بکسی دهد درمی از وی بستاند
صورت و منفعت تعارض نموده کار او ضایع گشت اگر خیر ندارد اجر نیز ندارد و اگر ضرر زیاده بود وزر حاصل است
و ابر باطل الگ نفع بیشتر است فزونش از آنچه بوده روی بتناقص نهاده و از دولت تضاعف بی بهره مانده پس همه
ابو بیانات احسان از ایذا و امتنان لازم است بیت آنچه دهی بسیده و منت منه و آنچه بآزاده دهی هم مده و پس

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com) 1